

آن ایست و سه نفر

خاطرات خودنوشت

احمد یوسف زاده



انتشارات سوره مهر (دانشگاه خوارزمی)



دفتر ادبیات و هنر مقاومت

آن بیست و سه نفر

نویسنده: احمد یوسفزاده

ویراستار: اکرم درخوبت گمک

چاپ و صحافی: سپهر

چاپ چهارم: ۱۳۹۵

شمارگان: ۲۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۷۵-۵۸۴-۲

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

سرشناسه: یوسفزاده، احمد، ۱۳۴۴ -

عنوان و نام پدیدآور: آن بیست و سه نفر: خاطرات احمد

یوسفزاده / نویسنده احمد یوسفزاده: (برای سازمان تبلیغات

اسلامی، حوزه هنری، دفتر ادبیات و هنر مقاومت،

مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری: ۴۰۸ ص.

فروست: دفتر ادبیات و هنر مقاومت: ۶۲۵: جنگ ایران و عراق،

خاطرات آزادگان: ۷۹

ISBN:978-600-175-584-2

وضعیت فهرست نویسی: قیبا

موضوع: یوسفزاده، احمد، ۱۳۴۴ - - - خاطرات

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ - - آزادگان - - خاطرات

شناسه افزوده: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، دفتر ادبیات

و هنر مقاومت

شناسه افزوده: شرکت انتشارات سوره مهر

رده بندی کنگره: ۱۳۹۲ / ۸۶۳ / DSR ۱۶۲۹

رده بندی دیویی: ۹۵۵ / ۹۲ / ۰۸۴۳

شماره کتابشناسی ملی: ۳۱۸۳۷۴۴

کتابخانه ملی تهران، خیابان حافظ، ضلع شمالی، پلاک ۳۳

شماره تماس: ۱۱۲۶-۱۵۵۶۵

تلفن: ۸۱۶۳۳ - سازمان اسناد و کتابخانه ملی، تهران

تلفن مرکز بکس: هیچ خط ۰۶۶۶۰۹۹۳ - کسب (۵۹۹۹۹۶۶۶)

WWW.SORHMEHR.COM

نقل و چاپ نوشته‌ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

فهرست

۱۵	پیش فصل
۱۹	نورد
۲۱	آن دست خط قشنگ
۲۵	دیدار با حسن اسکندری
۲۷	یک اتفاق
۲۹	شغل جدید
۳۳	مشهد
۳۵	فصل اول: بهار
۴۱	حسن تاجیک شیر
۴۵	مادرم
۴۹	اعزام
۵۳	اکبر دانشی
۵۵	روزی سخت
۵۹	اخراجی‌ها
۶۱	ایستگاه قطار
۶۳	روحانی
۶۷	اهواز
۶۹	سینما

۷۱ سفر به دشت آزادگان
۷۵ حمید چریک
۸۱ به سوی فرسیه
۸۵ پایان انتظار
۸۹ شام آخر
۹۳ آغاز عملیات بیت المقدس
۱۰۳ خدا حافظی با آزادی
۱۰۷ اولین سیلی اسارت
۱۱۳ بازجویی
۱۱۷ حرکت به سوی بصره
۱۲۳ موردان
۱۲۷ بصره
۱۳۱ شبی در بصره
۱۳۳ نماز جماعت
۱۳۷ طلوع صبح اسارت
۱۳۹ به سوی بغداد
۱۴۳ کودکی هایم
۱۴۷ بغداد
۱۵۱ یک مرد عرب
۱۵۳ فؤاد
۱۶۱ اول ماجرا
۱۶۵ آن بیست و سه نفر
۱۶۷ روزهای زندان
۱۷۳ یک مبارز
۱۷۷ ابوقاص

الحمد لله الذي اخرجني من السجن.

با یاد برادر شهیدم، موسی، که برای مردم جنوب کرمان فراموش ناشدنی است و چشم‌انتظاری‌های مادر مرحومه‌ام در فراق فرزندانش و با احترام به روح شهید سید عباس سعادت و همه شهدایی که در این کتاب نامی از آن‌ها آورده شده، این اثر را تقدیم می‌کنم به:

برادر بزرگم، حسن یوسف‌زاده، که زیر سایه‌اش بزرگ شدم، و به همسرم، وحیده سادات حسینی، که آسایش زندگی را در کنار فرزندانشان، علی و فاطمه، مدیون اویم.

مقدمه

ماجرای «آن بیست و سه نفر» اتفاقی است که نمونه‌اش در هیچ جنگی رخ نداده است. سال ۱۳۷۰، یک سال پس از آزادی از اسارتی که هشت سال طول کشید، این ماجرا را نوشتم و برای چاپ به مرکز نشری سپردم. آنچه از چاپ درآمد کتابی کم‌حجم بود به قلم یکی از جوانان جویای نام آن روزگار که هیچ به دلم ننشست.

سال ۱۳۸۵، مهدی جعفری، کارگردان متعهد کشورمان، از ماجرای «آن بیست و سه نفر» مستندی سیزده قسمتی ساخت و اگرچه از شبکه ۴ سیمای جمهوری اسلامی، که مخاطب کمتری دارد، پخش شد، حماسه «آن بیست و سه نفر» از غربت درآمد.

در همه این سال‌ها آرزو داشتم دستم به قلم برود و اصل این ماجرا را با همه زوایای تلخ و شیرینش برای ثبت در تاریخ پایداری ملت ایران بنویسم که الحمدلله این توفیق دست داد و شما اکنون ماجرای این بیست و سه نوجوان ایرانی را پیش روی دارید.

اما ذکر چند مطلب در این مقدمه کوتاه ضروری به نظر می آید. اول اینکه آنچه می خوانید حوادثی است که سی سال پیش اتفاق افتاده است و ممکن است تاریخ وقوع بعضی از اتفاقات چند روز از تاریخ واقعی جلوتر یا عقب تر باشد؛ فقط چند روز.

دوم اینکه برای یادآوری و سپس نگارش این کتاب دست نوشته های سال ۱۳۷۰ خودم و متن فیلم مستند دوست عزیزم، آقای مهدی جعفری، را، که حاوی ساعت ها مصاحبه ی دکتر محمد شهبان با افراد گروه بیست و سه است، در اختیار داشته ام و از آن کمک گرفته ام. از این رو، خواننده می تواند مطمئن باشد آنچه در این کتاب می خواند تخیل و قصه پردازی نیست؛ بلکه روایتی است از آنچه من و دوستانم دیده و از سر گذرانده ایم.

سوم اینکه در این کتاب فقط هشت ماه از هشت سال و سه ماه و هفده روز اسارت من و دوستانم روایت شده است. باقی سال های اسارت در اردوگاه های رمادی و بین القفسین و موصل گذشته با گفتنی ها و حتی ناگفتنی های زیاد؛ که اگر خدا بخواهد، می نویسمشان. دیگر اینکه در تقسیم بندی این کتاب «فصل» را به معنای فصل های سال گرفته ام. به غیر از اتفاقات گذرایی که در آخرین روزهای سال ۱۳۶۰ روی می دهد، باقی روایت ها، که هر یک نام مخصوص خود را دارد، در چهار فصل بهار و تابستان و پاییز و زمستان سال ۱۳۶۱ روی داده است.

و دست آخر اینکه آفرینندگان حماسه «بیست و سه نفر»، که شانزده نفرشان اهل استان کرمان اند، اکنون دهه چهل عمرشان را با عزت سپری می کنند. فقط متأسفانه از میان این گروه سید عباس سعادت، اهل پاریز سیرجان، به دیار حق شتافته است.

در پایان لازم می‌دانم از برادر عزیزم، مرتضی سرهنگی، رئیس دفتر ادبیات و هنر مقاومت، که شکل‌گیری این کتاب مرهون هم‌دلی‌ها و راهنمایی‌های مستمر اوست، و نیز از مهدی ابوالحسنی، رئیس مرکز حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس استان کرمان، که همیشه مشوق ثبت خاطرات ایثارگران بوده و هستند، سپاس‌گزاری کنم.

دوران بقا چو باد صحرا بگذشت
تلخی و خوشی و زشت و زیبا بگذشت
پنداشت ستمگر که ستم بر ما کرد
بر گردن او بماند و بر ما بگذشت!

احمد یوسف‌زاده، تابستان ۱۳۹۱، کرمان

پیش فصل

زمستان در دشت‌های خیس خوزستان همان قدر سرد است که تابستان در رمل‌های تشنه آنجا گرم. بادی استخوان‌سوز از روی نزار می‌آمد. صورتم از سوز سرما سرخ و پوتین‌هایم از گل‌های چسبناک سنگین شده بود. شکمم از گرسنگی قار و قور می‌کرد. بی‌وعده، چشم به راه کسی بودم انگار؛ که از انتهای دشت باران‌خورده لندکروزی گل‌اندود نمایان شد که به‌سختی خودش را به سمت سنگرهای ما پیش می‌کشید. با خودم گفتم کاش یوسف و محسن هم بالای وانت باشند. از آن‌ها جدا افتاده بودم. هر دو را شب قبل توی خط دوم پیاده کرده بودند؛ اما من، برادر کوچک، را یک‌راست به خط اول برده بودند.

خورشید داشت پشت نزار کم‌رنگ می‌شد. لندکروز نزدیک‌تر شده بود و همچنان به‌سختی جلو می‌آمد. جاده که نبود؛ دشتی پر از گل بود پیش رویش. وقتی در اثر لغزش تاپره‌هایش روی گل‌ها سر خورد و به چپ و راست پیچید، معلوم شد کسی بالایش نیست؛ نه محسن نه

یادداشت تجلیل حضرت آیت‌الله خامنه‌ای از کتاب ((آن بیست‌وسه نفر))
 در روزهای پایانی ۹۳ و آغازین ۹۴ با شیرینی این نوشته‌ی شیوا و جذاب و هنرمندانه، شیرین‌کام
 شدم و لحظه‌ها را با این مردان کم‌سال و پرهمت گذراندم. به این نویسنده‌ی خوش ذوق و به آن
 بیست و سه نفر و به دست قدرت و حکمتی که همه‌ی این زیباتیها، پرداخته‌ی سرپنجه‌ی
 معجزه‌گر اوست درود میفرستم و جبهه‌ی سیاس بر خاک میسایم.
 یک بار دیگر کرمان را از دریچه‌ی این کتاب، آنچنان که از دیرباز دیده و شناختم، دیدم و
 منشور هفت رنگ زیبا و درخشان آن را تحسین کردم.

۹۴/۱/۵



سوره مهر وابسته به حوزه هنری
 انتشارات سوره مهر ۱۳۹۰-۹۳
 انتشارات سوره مهر و نشر الملت اسلامی

دفتر ادبیات و هنر مقاومت/۴۳۵
 جنگ ایران و عراق، خاطرات آزادگان/۷۹

تهران، خیابان حافظ، خیابان رشتنیلوک، ۲۲
 صندوق پستی: ۱۵۸۱۵۱۱۴۴ تلفن: ۰۲۱-۸۳۳۲۲۲۲
 سامانه پیامک: ۳۰۰۰۵۳۱۹
 مرکز بخش نشر کتاب انتشارات سوره مهر
 تلفن: (پنج خط) ۰۲۱-۶۶۲۶-۹۹۲ فکس: ۰۲۱-۶۶۲۶-۹۹۱



قیمت: ۱۵۰۰ تومان

هر چه به پایان هشدار ابوقاص نزدیکتر
 می‌شدیم ضربان قلب‌هایمان بالاتر می‌رفت.
 نیم ساعت تمام شد. در باز شد. ابوقاص
 آمد داخل، نگاهی کرد به ظرف دست
 نخورده صبحانه و به چهره یکایک ما، یک
 محکمی زد و سیگارش را انداخت روی پتو
 و با پا لپش کرد و گفت: «نمی‌خورید؟»
 گفتیم: «نه!»

